

# مقایسه هوش هیجانی دو گروه مجرد دارای ارتباط و بدون ارتباط با جنس مخالف

در شهر تهران

شیوا زندی\*، امیربراتی\*\*

## چکیده

تحقیق حاضر به بررسی مقایسه هوش هیجانی گروهی که با جنس مخالف رابطه دوستی دارند و گروه فاقد این ارتباط، در افراد مجرد (دختر و پسر) ۱۷ - ۳۹ ساله شهر تهران می پردازد. برای این پژوهش، که در آن از آزمون هوش هیجانی بار - ان استفاده شده است، تعداد ۱۲۰ نفر از افراد مجرد (۶۰ نفر دختر و ۶۰ نفر پسر) شهر تهران، به روش تصادفی انتخاب شده اند. پس از جمع آوری پرسشنامه ها، داده های کمی با استفاده از روش آماری T برای گروه های مستقل مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج مهم این پژوهش: حاکی از آن است که بین میانگین نمرات دو گروه (دارای رابطه و بدون رابطه دوستی) در متغیرهای حل مسئله، خود شکوفایی، واقع گرایی، خوش بینی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف پذیری، خود ابرازی و هوش هیجانی کلی تفاوت معنی دار وجود دارد، و در این موارد، تفاوت به نفع گروهی است که با جنس مخالف رابطه ندارند. در سایر متغیرها تفاوتی بین دو گروه وجود ندارد.

کلید واژه ها: هوش هیجانی و دوستی با جنس مخالف.

\*دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی.

\*\*عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و فرهنگ

## مقدمه

عصب شناسان، وجود حداقل دو هوش مجزا در انسان را تأیید می کنند: هوش شناختی و هوش هیجانی (۱). هوش هیجانی نوعی از باهوش بودن است که شامل درک احساسات خود برای تصمیم گیری مناسب در زندگی است EQ توانایی کنترل حالت های اضطراب آور و کنترل واکنش هاست. به طور کلی، می توان گفت EQ: نیک مهارت اجتماعی است و شامل همکاری با سایر مردم، کاربرد احساسات در روابط و توانایی رهبری سایر افراد می باشد (۲).

رویکرد جدید به هوش هیجانی، ریشه در پژوهش های مربوط به توانایی های انسانی دارد. به دنبال نتیجه گیری کرونباخ (۱۹۶۰)، که عقیده داشت هوش هیجانی را نمی توان تعریف نمود و اندازه گیری هم نشده است، در سال ۱۹۸۰ شکاف هایی در تجزیه و تحلیل

ماهیت هوش ظاهر گشت. برای مثال، استرنبرگ (1985) تلاش نمود توجه محققان توانایی های ذهنی بشر را بیشتر به طرف جنبه های خلاق و عملی هوش جلب نماید. گاردنر (۱۹۸۳-۱۹۹۳) حتی هوش درون فرد را معین نمود که مربوط به دستیابی به زندگی احساسی فرد است. ظرفیت نشان دادن احساسات و توانایی تکیه بر آنها، به عنوان وسیله درک و راهتمای رفتار. سپس، در کتاب جنجال برانگیز **منحنی نرمال یازتگی شکل**، هرنستین و موری (۱۹۹۴)، بحث از وراثتی بودن هوش و اینکه تا چه حد هوش تحت تأثیر شرایط اجتماعی می باشد را از نو شروع کردند. کتاب **منحنی نرمال** هوش، به جای کسب حمایت در موضوع هوش وراثتی، موجب اعتراض و انگیزه بسیاری از مدرسان، محققان و روزنامه نگاران گشت که آیا دیدگاه سنتی در مورد هوش، محدود و یکجانبه نبوده است؟ و این مفهوم جدید شکل گرفت که ممکن است راه های دیگری برای باهوش بودن و موفقیت در دنیا وجود داشته باشد.

اصطلاح «هوش هیجانی» برای نخستین بار در مجموعه مقالات آموزشی جان مایر و پیترو سالوی (۱۹۹۳-۱۱۹۰) منتشر شد. سپس، با انتشار کتاب **هوش هیجانی: چرا هوش هیجانی مهمتر از هوش عمومی است؟**، اثر گلن در سال ۱۹۹۵ این اصطلاح، بخشی از زبان روزمره روان شناسان گردید. پیش از سال ۱۹۹۵، تنها معدودی از محققان با این اصطلاح آشنا بودند. اما امروزه، این اصطلاحی فراگیر شده است<sup>4</sup>.

مایر و سالوی (۱۹۹۷)، هوش هیجانی را شامل ادراک، ابراز، فهم و کنترل هیجانات در خود و دیگران و بهره برداری از هیجان در مسئله گشایی می دانند<sup>5</sup>. عامل هوش هیجانی را سموعی (۱۳۸۱) به شکل زیر برشمرده است: روابط بین فردی، واقع گرایی، مسئولیت پذیری اجتماعی، خودآگاهی هیجانی، خودابرازی عزت نفس، همدلی، استقلال، خودشکوفایی انعطاف پذیری، حل مسئله، خوش بینی شادمانی، کنترل تکانش و تحمل فشار روانی. در زمینه تفاوت های جنسیتی، هوش هیجانی نظرات مختلفی عنوان شده است برای مثال، سیاروچی (۲۰۰۰) بیان کرده است که در سطح هوش هیجانی دختران نوجوان بهتر از پسران عمل می کنند، اما در کنترل هیجانات خود عملکرد بهتری ندارند.

سؤال اصلی پژوهش این است که آیا افرادی که با جنس مخالف رابطه دوستی برقرار می کنند و در حال حاضر نیز این ارتباطات را دارند، و افرادی که فاقد این ارتباطات می باشند، در عوامل هوش هیجانی تفاوتی حل مسئله، روابط بین فردی، عزت نفس، واقع گرایی، انعطاف پذیری و... تفاوتی نشان می دهند و آیا به راستی ارتباط با جنس مخالف، در قالب دوستی های رایج نشان دهنده هوش هیجانی بالاتر افراد است و افراد بدون این ارتباطات هوش هیجانی پایین ترین دارند؟

در این پژوهش، منظور از «رابطه دوستی»، رابطه ای است که دو طرف با میل و رغبت در یکی از مراتب صوتی، تصویری و یا حضوری موافق ارتباط برقرار کردن باشند<sup>6</sup>.

جامعه، نمونه آماری، و شیوه نمونه گیری

جامعه آماری موردنظر در این پژوهش، کلیه افراد مجرد (دختر و پسر) ۱۷ - ۳۹ سال شهر تهران می باشد. در این پژوهش، بر اساس روش تصادفی، تعداد ۱۲۰ نفر از افراد مجرد ۳۹-۱۷ سال شهر تهران انتخاب شدند. البته ۱۲۰ نفر افراد نمونه برحسب ارتباطات دوستی با جنس مخالف نیز به چهار گروه تقسیم شدند، شامل ۳۰ دختر و ۳۰ پس بدون ارتباط، و ۳۰ دختر و ۳۰ پسر دارای ارتباط.

نوع پژوهش توصیفی و ابزار مورد استفاده در این مطالعه، شامل پرسش نامه هوش هیجانی بار-ان است که توسط افراد ۳۹-۱۷ سال شهر تهران تکمیل گردید. میزان آلفای کرونباخ برای کل آزمون، ۹۳٪ و همچنین پایایی آزمون به روش زوج - فرد ۸۸٪ گزارش شد که در سطح  $p < 0/0001$  معنادار است.

## یافته ها

با توجه به هدف پژوهش، میانگین دو گروه در هوش هیجانی کلی و ۱۵ عامل آنکه به طور مجزا محاسبه گردیده بود، مورد مقایسه قرار گرفت همچنین هوش هیجانی و عوامل آن در دو گروه دارای رابطه و فاقد رابطه، به تفکیک جنسیت - دختران دارای رابطه با دختران فاقد این روابط و همچنین پسران دارای رابطه با پسران فاقد این روابط - نیز با یکدیگر مقایسه شدند که جداول آن در ذیل ارائه گردیده است:

جدول ۱: مقایسه میانگین های هوش هیجانی و عوامل آن در دخترهای دارای رابطه و دخترهای فاقد رابطه

ردیف	مواد آزمون	میانگین گروه دخترهای دارای رابطه	میانگین گروه دخترهای بدون رابطه	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱	حل مسئله	۲۲.۲۷	۲۴.۱۷	-۲.۳۷۱	۵۸	۰.۰۲۴
۲	خوشبختی	۲۲.۷۷	۲۵.۱۷	-۲.۳۵۸	۵۸	۰.۰۲۲
۳	استقلال	۲۳.۲۷	۲۲.۶۰	۰.۷۸۷	۵۸	۰.۴۳۵
۴	تحمل فشار روانی	۱۸.۸۳	۲۰.۶۷	-۱.۷۳۶	۵۸	۰.۰۸۸
۵	خودشکوفایی	۲۲.۷۳	۲۵.۲۰	-۲.۷۰۳	۵۸	۰.۰۰۹
۶	واقع گرایی	۱۹.۳۷	۲۰.۹۷	-۱.۹۳۶	۵۸	۰.۰۵۱
۷	روابط بین فردی	۲۳.۸۳	۲۴.۵۷	-۰.۸۰۲	۵۸	۰.۴۲۶
۸	خوش بینی	۲۲.۲۳	۲۴.۷۳	-۳.۰۶۹	۵۸	۰.۰۰۳
۹	عزت نفس	۲۲.۵۰	۲۵.۳۷	-۳.۱۱۶	۵۸	۰.۰۰۳
۱۰	کنترل تکانش	۱۶.۰۷	۲۰.۱۳	-۳.۷۱	۵۸	۰.۰۰۳
۱۱	انعطاف پذیری	۱۹.۳۷	۲۳.۹۰	-۴.۱۶۳	۵۸	۰.۰۰۰

۱۲	مسئولیت پذیری	۲۴.۴۰	۲۶.۲۰	-۲.۳۲۴	۵۸	۰.۰۲۴
۱۳	همدلی	۲۵.۳۷	۲۶.۳۳	-۱.۳۲۷	۵۸	۰.۱۹۰
۱۴	خودابرازی	۱۹.۳۰	۲۰.۶۰	-۱.۲۵۰	۵۸	۰.۲۱۶
۱۵	خودآگاهی هیجانی	۲۰.۸۰۰	۲۳.۸۰	-۲.۱۴۹	۵۸	۰.۰۳۶
۱۶	هوش هیجانی کلی	۳۲۴.۱۷	۳۵۱.۸۳	-۳.۱۱۶	۵۸	۰.۰۰۳

جدول شماره ۱، نشان می دهد که بین میانگین دخترهایی که با جنس مخالف رابطه دوستی دارند و دخترهایی که این رابطه را ندارند، در متغیرهای حل مسئله خوشبختی، خودشکوفایی، خوش بینی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف پذیری، خودآگاهی هیجانی و هوش هیجانی کلی تفاوت وجود دارد. در تمامی این موارد، تفاوت به نفع دخترهای بدون رابطه است. در سایر متغیرها، تفاوتی بین دو گروه مشاهده نمی شود.

جدول شماره ۲: مقایسه میانگین های هوش هیجانی و متغیرهای آن در پسرهایی که با جنس مخالف رابطه دوستی دارند و پسرهایی که این رابطه را ندارند.

ردیف	مواد آزمون	میانگین گروه پسرهای دارای رابطه	میانگین گروه پسرهای بدون رابطه	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱	حل مسئله	۲۲.۷۰	۲۳.۱۰	-۰.۴۷۰	۵۸	۰.۶۴۰
۲	خوشبختی	۲۳.۳۰	۲۳.۵۷	-۰.۲۵۹	۵۸	۰.۷۹۶
۳	استقلال	۲۲.۰۷	۲۳.۱۳	-۰.۰۱۲	۵۸	۰.۳۱۶
۴	تحمل فشار روانی	۲۰.۵۷	۲۱.۲۳	-۰.۵۹۸	۵۸	۰.۵۵۲
۵	خودشکوفایی	۲۱.۹۰	۲۳.۷۴	-۱.۷۲۷	۵۸	۰.۰۹۰
۶	واقع گرایی	۱۸.۴۰	۱۹.۵۷	-۱.۲۱۹	۵۸	۰.۲۲۸
۷	روابط بین فردی	۲۳.۱۰	۲۳.۵۳	-۰.۳۸۰	۵۸	۰.۷۰۶
۸	خوش بینی	۲۳.۰۰	۲۴.۱۷	-۱.۳۰۴	۵۸	۰.۱۹۷
۹	عزت نفس	۲۲.۰۷	۲۳.۶۰	-۱.۶۲۲	۵۸	۰.۱۱۵
۱۰	کنترل تکانش	۱۷.۴۳	۱۸.۴۰	-۰.۷۳۸	۵۸	۰.۴۶۳
۱۱	انعطاف پذیری	۲۰.۰۰	۱۹.۴۷	۰.۴۴۳	۵۸	۰.۶۶۰
۱۲	مسئولیت پذیری	۲۳.۲۰	۲۳.۸۳	-۰.۶۵۲	۵۸	۰.۵۱۷
۱۳	همدلی	۲۳.۷۳	۲۴.۵۷	-۰.۸۶۵	۵۸	۰.۳۹۱
۱۴	خودابرازی	۱۹.۰۰	۲۱.۰۰	-۲.۰۲۶	۵۸	۰.۰۴۷

۱۵	خودآگاهی هیجانی	۲۱.۲۳	۲۱.۰۷	۰.۱۶۴	۵۸	۰.۸۷۰
۱۶	هوش هیجانی کلی	۳۲۲.۳۰	۳۳۳.۷۰	-۱.۱۰۶	۵۸	۰.۲۷۳

جدول شماره ۲ نشان می دهد که بین میانگین پسرهایی که با جنس مخالف رابطه دوستی دارند و پسرهایی که این رابطه را ندارند، تنها در متغیر «خود ابرازی» تفاوت وجود دارد. این تفاوت به نفع پسرهای بدون رابطه است. در سایر متغیرها، بین دو گروه تفاوتی مشاهده نمی شود.

### جدول شماره ۳: مقایسه میانگین هوش هیجانی و متغیرهای آن در گروه های دارای رابطه و گروه های بدون رابطه با جنس مخالف

ردیف	مواد آزمون	میانگین گروه دخترهای دارای رابطه	میانگین گروه دخترهای بدون رابطه	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱	حل مسئله	۲۲.۴۸	۲۳.۶۳	-۱.۹۴۴	۱۱۸	۰.۰۵۴
۲	خوشبختی	۲۳.۰۳	۲۴.۳۷	-۱.۸۳۷	۱۱۸	۰.۰۶۹
۳	استقلال	۲۲.۶۷	۲۲.۸۷	-۰.۲۹۶	۱۱۸	۰.۷۶۸
۴	تحمل فشار روانی	۱۹.۷۰	۲۰.۹۵	-۱.۶۲۲	۱۱۸	۰.۱۰۸
۵	خودشکوفایی	۲۲.۳۲	۲۴.۳۳	-۳.۱۰۲	۱۱۸	۰.۰۰۲
۶	واقع گرایی	۱۸.۸۸	۲۰.۲۷	-۲.۱۷۴	۱۱۸	۰.۰۳۲
۷	روابط بین فردی	۲۳.۴۷	۲۴.۰۵	-۰.۷۹۹	۱۱۸	۰.۴۲۶
۸	خوش بینی	۲۲.۶۲	۲۴.۴۵	-۳.۰۴۱	۱۱۸	۰.۰۰۳
۹	عزت نفس	۲۲.۲۸	۲۴.۴۸	-۳.۳۱۱	۱۱۸	۰.۰۰۱
ردیف	مواد آزمون	میانگین گروه دخترهای دارای رابطه	میانگین گروه دخترهای بدون رابطه	T محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی داری
۱۰	کنترل تکانش	۱۶.۷۵	۱۹.۲۷	-۲.۶۹۳	۱۱۸	۰.۰۰۸
۱۱	انعطاف پذیری	۱۹.۶۸	۲۱.۶۸	-۲.۳۳۶	۱۱۸	۰.۰۲۱
۱۲	مسئولیت پذیری	۲۳.۸۰	۲۵.۰۲	-۱.۹۰۲	۱۱۸	۰.۰۶۰
۱۳	همدلی	۲۴.۵۵	۲۵.۴۵	-۱.۴۵۴	۱۱۸	۰.۱۴۹
۱۴	خودابرازی	۱۹.۱۵	۲۰.۸۰	-۲.۳۱۸	۱۱۸	۰.۰۲۲
۱۵	خودآگاهی هیجانی	۲۱.۵۲	۲۲.۴۳	-۱.۲۹۹	۱۱۸	۰.۱۹۷

۱۶	هوش هیجانی کلی	۳۲۳.۲۳	۳۴۲.۷۷	-۲۸۵۳	۱۱۸	۰.۰۰۵
----	----------------	--------	--------	-------	-----	-------

جدول شماره ۳ نشان می دهد که بین میانگین های دو گروه رابطه دار و بی رابطه، در متغیرهای حل مسئله، خودشکوفایی، واقع گرایی، خوش بینی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف پذیری، خودبرازی و هوش هیجانی کلی تفاوت وجود دارد. در همه موارد، تفاوت به نفع گروهی است که با جنس مخالف رابطه دوستی ندارند. در سایر متغیرها تفاوتی بین دو گروه مشاهده نمی شود. همچنین استین (معادل لاتین) اظهار داشته که زنان و مردان، به لحاظ هوش هیجانی کلی از توان برابری برخوردارند، اما در زمینه های مختلف از توانایی های مختلفی برخوردار هستند.

نگاهی به تعاریف متعدد هوش هیجانی دو خط نظری کلی را در این زمینه نشان می دهد: یکی، دیدگاه اولیه هوش هیجانی است که آن را به عنوان نوعی هوش تعریف می کند که شامل هیجان و عاطفه است. دوم، دیدگاه مختلط که هوش هیجانی را با سایر توانایی ها و ویژگی های شخصیتی نظیر انگیزش ترکیب می کند<sup>۶</sup>.

مایر، سالوی و کارسیو (۱۹۹۷)، الگوی اصلاح شده ای از هوش هیجانی تدوین کرده اند (EI) که بر مؤلفه های شناختی رشد هوشمندانه و هیجانی تأکید بیشتری دارد. این الگو، هوش هیجانی را به صورت عملیاتی در دو سیستم شناختی و هیجانی بررسی می کند<sup>۷</sup>. الگوی مختلط شامل طیف وسیعی از متغیرهای شخصیتی است که مخالف با الگوی توانایی مایر و سالوی می باشد و کاملاً الگویی شناختی است.

قریب یک قرن از مطالعات پیرامون هوش شناختی می گذرد، ولی هوش هیجانی مقوله ای تازه است که محققان بسیاری به کاربرد آن در امور مختلف علاقه مند هستند. برای مثال، به بررسی مفهوم «هوش هیجانی» در توانایی مدیریت، در تجارت، رهبری و سازمان دهی رفتار خود کوپر و ساواف، ۱۹۹۷، سیمونز و سیمونز، ۱۹۹۷، آبراهام، ۱۹۹۷، موراند، ۲۰۰۰ در محیط های حرفه ای و شغلی، وسینگر، ۱۹۹۷ در آموزش و پرورش، به منظور پیشرفت تحصیلی، سالوی و اسلویتز، ۱۹۹۷، گرینسپن، ۱۹۸۹، استون، مکن نون و مک کورمیک، ۱۹۹۹ به نقل از چرنیست و گلنن، ۲۰۰۰ در توانایی پیشبرد خودگردانی و خودشکوفایی اپستاین، ۱۹۹۸، استیل و پری، ۱۹۹۷، رابک، ۱۹۹۷ در الگوی فرزندپروری پایپر، ۱۹۹۷، مایرز، ۱۹۹۷، تیلور و پارکر ۱۹۹۹ در روان درمانی فردی کرینسپن، ۱۹۹۷؛ سگال، ۱۹۹۷؛ پاین، ۱۹۸۶؛ تیلور، ۱۹۹۰ به تحقیق پرداختند که همگی نشان دهنده تأثیر هوش هیجانی بر جنبه های مختلف زندگی است.

بدین ترتیب، مهارت های عاطفی شامل خودآگاهی، تشخیص، بیان و کنترل احساسات، کنترل امیال و هوس های آنی و به تأخیر انداختن خشنودی و رضایت خاطر و همچنین از عهده استرس ها و نگرانی های زندگی بر آمدن است.

در این پژوهش، در بررسی سه فرضیه نتایج به دست آمد: در مقایسه هوش هیجانی و متغیرهای آن بین دختران دارای رابطه و بدون رابطه تفاوت های زیادی بین دو گروه به چشم خورد: دختران که با جنس مخالف ارتباطات دوستی برقرار نکرده بودند، یعنی دختران بدون رابطه، در متغیرهایی چون حل مسئله، خوشبختی، خود شکوفایی، خوش بینی، عزت نفس، کنترل تکانش، انعطاف پذیری، مسئولیت پذیری، خودآگاهی هیجانی و هوش هیجانی کلی، توانایی بالاتری نسبت به دخترهای دارای رابطه نشان دادند و نمرات

بالا تری کسب کردند. به عبارت دیگر، دخترانی که با جنس مخالف رابطه دوستی ندارند، نسبت به دخترهایی که دارای رابطه دوستی هستند:

1. توانایی بالا تری نسبت به تشخیص مشکلات و ارائه راه حل های مفید برای حل آن و همچنین تحقق بخشیدن به راه حل های خویش دارند (حل مسئله).

2. دارای احساس خوشبختی بیشتری هستند. توانایی بیشتری در لذت بردن از خود و دیگران دارند. شوخ طمع تر هستند و احساسات مثبت بیشتری دارند (خوشبختی).

3. توانایی درک ظرفیت های بالقوه خویش را بیشتر دارند و برای رسیدن به آنها بیشتر تلاش می کنند (خودشکوفایی).  
4. توانایی نگاه کردن ریزبینانه به زندگی و تقویت نگرش های مثبت خویش را حتی در بروز مشکلات و سختی ها بیشتر دارا هستند. (خوش بینی).

5. دارای توانایی پذیرفتن خود و احترام به خود بیشتر هستند و اعتماد به نفس بالا تری دارند (عزت نفس).  
6. دارای توانایی مقاومت در برابر یک انگیزه و کاهش دادن آن را بیشتر هستند و هیجانات خود را راحت تر و بیشتر در کنترل دارند (کنترل تکانش).

7. توانایی سازگار بودن با تغییرات و موقعیت های متفاوت را بیشتر دارا هستند (انعطاف پذیری).  
8. توانایی ظاهر ساختن خود به عنوان یک عضو مؤثر و سازنده و دارای حس همکاری در گروه را بیشتر دارا هستند (مسئولیت پذیری اجتماعی).

9. از احساسات خود آگاه تر هستند (خودآگاهی هیجانی).

10. در مجموع، حالت های اضطراب آور و واکنش های خود را راحت تر و بیشتر کنترل می کنند. احساسات خود را برای تصمیم گیری مناسب در زندگی بیشتر درک می کنند. پراکنجه تر هستند. به کار و اهداف خود امیدوارتر هستند. به طور کلی، مهارت اجتماعی همکاری با سایر مردم، کاربرد احساسات در روابط و توانایی رهبری سایر افراد را بیشتر دارا می باشند (هوش هیجانی کلی).

در متغیرهایی نظیر میزان استقلال، میزان تحمل فشار روانی، واقع گرایی، توانایی ایجاد و حفظ رابطه با دیگران، میزان همدلی کردن با دیگران و خوابرازی تفاوتی بین دو گروه دیده نشد. در هیچ یک از متغیرها، دختران دارای رابطه، نسبت به دختران بدون رابطه برتری نشان ندادند.

در مقایسه، هوش هیجانی و متغیرهای آن، بین پسرهایی که با جنس مخالف رابطه دوستی دارند و پسرهایی که این رابطه را ندارند، تنها تفاوت حاصله در متغیر خودابرازی بود. بدین معنا که پسرهایی که با جنس مخالف رابطه دوستی ندارند، توانایی ابراز احساسات، باورها و افکار صریح خود را بیشتر از پسرهایی که با جنس مخالف رابطه دوستی دارند، دارا می باشند. این گروه بیشتر می توانند از مهارت های سازنده و به حق خود دفاع کنند. در سایر متغیرهای و همچنین در نمره کلی هوش هیجانی، تفاوتی بین دو گروه مشاهده نشد. این

بدین معناست که در متغیرهای آگاهی از هیجانات، عزت نفس، خودشکوفایی، میزان استقلال، میزان همدلی کردن با دیگران، میزان مسئولیت پذیری اجتماعی، توانایی ایجاد و حفظ رابطه با دیگران واقع بین بودن، میزان انعطاف پذیری، میزان توانایی حل مسئله، میزان تحمل فشار روانی، کنترل و کاهش انگیزه ها، میزان خوش بینی و در آخر احساس خوشبختی کردن، بین پسران با ارتباط و پسرهای بدون ارتباط تفاوتی وجود ندارد. بنابراین، ارتباط پسران با جنس مخالف در قالب دوستی های امروزی نشان دهنده توانایی بالای آنها برای رابطه برقرار کردن، استقلال بیشتر، اعتماد به نفس بیشتر، واقع گرایی و... نیست. نمی توان ادعا کرد که افراد بدون ارتباط، دارای توانایی کمتری در برقراری ارتباط، در بودن و همکاری کردن با دیگران، در به کاربردن احساسات در روابط با دیگران و... هستند.

در مقایسه، هوش هیجانی کلی و عوامل آن بین تمامی افراد گروه نمونه، اعم از دختر و پسر، نیز نتایج زیر حاصل شد:

1. توانایی تشخیص و تعریف مشکلات، ارائه راه حل های مؤثر و مفید، تحقق بخشیدن و اعمال آنها به شیوه صحیح در افرادی که با جنس مخالف رابطه دوستی ندارند، بیش از افرادی است که دارای این ارتباطات می باشند (حل مسئله).
2. افراد بدون ارتباط نسبت به افراد دارای رابطه توانایی درک ظرفیت های بالقوه خود را بیشتر دارا هستند و تلاش بیشتری برای بالفعل کردن آنها انجام می دهند (خودشکوفایی).
3. توانایی سنجیدن هماهنگی بین آنچه به طور هیجانی تجربه شده، و آنچه که به طور واقعی وجود دارد، در افراد بدون ارتباط، نسبت به افراد دارای رابطه، بیشتر است (واقع گرایی).
4. افراد فاقد رابطه نسبت به افراد دارای ارتباط به زندگی خوشبینانه تر نگاه می کنند. بیش از آنها نگرش های مثبت خود را حتی در زمان روبه رو شدن با مشکلات و سختی ها حفظ و تقویت می کنند (خوش بینی).
5. افراد بدون ارتباط، نسبت به افراد دارای ارتباط احترام بیشتر برای خود قائل هستند و اعتماد به نفس بالاتری دارند (عزت نفس).
6. افراد بدون ارتباط، نسبت به افراد دارای ارتباط هیجانات خود را بهتر و بیشتر در کنترل دارند. همچنین توانایی مقاومت بیشتری در برابر انگیزه ها و تمایلات خود دارا هستند (کنترل تکانش).
7. توانایی سازگاری با شرایط متفاوت و تغییرات نیز در گروه فاقد ارتباط، بیش از افراد دارای ارتباط مشاهده شد (انعطاف پذیری).
8. افراد بدون ارتباط توان ابراز احساسات، باورها و افکار صریح خود را بیشتر از افراد دارای رابطه هستند و بیشتر می توانند از مهارت های سازنده و بر حق خود دفاع کنند (خودابرازی).
9. هوش هیجانی کلی، شامل درک احساسات خود برای تصمیم گیری مناسب در زندگی توانایی کنترل حالت های اضطراب آور و کنترل واکنش های پراکنجه و امیدوار بودن به کار و رسیدن به اهداف، توان همکاری با سایر مردم، کاربرد احساسات در روابط و توانایی رهبری سایر افراد نیز در صورت معنی داری به نفع افراد بدون ارتباط در آمد.



10. توانایی آگاه بودن و فهم احساسات خود نیز بین دو گروه رابطه دار و بی رابطه تفاوتی را نشان نداد (خودآگاهی هیجانی).
11. توانایی احساس خوشبختی و لذت بردن از خود، داشتن احساسات مثبت، صریح، مفرح و شوخ طبعی در بین گروه رابطه دار و بی رابطه، تفاوتی را نشان نداد (خوشبختی).
12. توانایی هدایت افکار و اعمال خویش و آزاد بودن از تمایلات هیجانی، در بین گروه رابطه دار و بی رابطه تفاوتی را نشان نداد (استقلال).
13. توانایی مقاومت در برابر رویدادها، موقعیت های فشار آور و هیجانات قوی، بدون جازدن و به عبارت دیگر، توان رویارویی فعال و مثبت با فشارهای محیط در بین دو گروه رابطه دار و بی رابطه تفاوتی را نشان نداد (تحمل فشار روانی).
14. توانایی ایجاد و حفظ روابط رضایت بخش متقابل، که به وسیله نزدیکی عاطفی، صمیمیت، محبت کردن و محبت گرفتن صورت می گیرد نیز بین گروه رابطه دار و بی رابطه تفاوتی را نشان نداد (روابط بین فردی).
15. توان ظاهر ساختن خود به عنوان یک عضو دارای حس همکاری، مؤثر و سازنده در گروه نیز بین افراد بی رابطه و رابطه دار تفاوتی را نشان نداد (مسئولیت پذیری).
16. توانایی آگاه بودن و درک احساسات دیگران و ارزش دادن به آنها بین دو گروه تفاوتی را نشان نداد (همدلی).

## نتیجه گیری

با توجه به نتایج به دست آمده در این پژوهش دو زاویه دید متفاوت و دلیل احتمالی برای این یافته ها متصور می گردد:

اولاً، احتمالاً افرادی به سمت ایجاد رابطه با جنس مخالف قدم برمی دارند که از هوش هیجانی پایین ترین برخوردارند. به عبارت دیگر، ارتباطات با جنس مخالف، ثانویه به مسئله هوش هیجانی پایین شکل می گیرد. در این صورت، می توان گفت افرادی با هوش هیجانی پایین تر؛ یعنی خودشکوفایی کمتر، خوش بینی کمتر، عزت نفس پایین تر و ... اقدام به ارتباط با جنس مخالف می کنند، تا شاید این موضوع بتواند راهی باشد برای افزایش اعتماد به نفس و فرد با پذیرفته شدن از سوی جنس مخالف خود را بهتر بپذیرد و یا برای افرادی که توانایی کنترل انگیزه های خویش را به راحتی ندارد و توانایی حل مسئله آنها پایین است، می توان گفت: ارتباط با جنس مخالف، می تواند یکی از راحت ترین و در دسترس ترین راه ها برای فرار مشکلات باشد.

ثانیاً، احتمالاً داشتن رابطه با جنس مخالف، موجب اُفت و سیر نزول میزان هوش هیجانی در آنان می شود. به عبارت دیگر، ارتباط با جنس مخالف موجب عدم تحریک و احتمالاً اُفت هوش هیجانی، بخصوص در دختران می شود. در این صورت، می توان گفت: افراد با هوش هیجانی مشابه به موضوع دوستی با جنس مخالف با دیدی متفاوت نگاه می کنند. برخی آن را راهی برای گذراندن وقت می دانند. برخی به خاطر محدودیت در خانواده و یا فضای خاص حاکم بر جو دوستان و همسن و سالان خویش، به این موضوع تنها به عنوان داشتن تجربه دوستی و شناخت جنس مخالف نگاه می کنند. برخی آن را راهی برای آشنایی پیش از ازدواج می دانند. به هر

حال، برخی افراد با خصوصیات مشابه از نظر هوش هیجانی، وارد این حوزه می شوند و برخی نیز به دلیل مسایل اعتقادی، وجدان اخلاقی، ارزش ها و هنجارهای خانواده و یا افکار شخصی خویش، به این حوزه وارد نمی شوند. در این مرحله، ارتباط با جنس مخالف به عنوان یک عامل مخرب عمل می کند و برخی از دیدگاه ها و صفات شخصی افراد را تحت تأثیر قرار می دهد. تفاوت فاحش بین دختران و پسران نیز بر این موضوع صحنه می گذارد؛ بدین معنی که این ارتباطات از نظر روحی و روانی، اثر مخربی بر افراد دارای رابطه بالاخص بر دختران رابطه دار، که در این ارتباطات احتمالاً بیشتر فریب می خورند، می گذرد. برای مثال، هنگامی که دختری با هدف ازدواج وارد یک ارتباط دوستی می شود و با پسر ارتباط برقرار می کند که هدف وی فقط گذراندن وقت است و یا پیروی کردن از آنچه در جامعه مرسوم است، و پس از مدتی این ارتباط قطع می شود، آیا به واقع، خوش بینی این دختر به محیط اطراف و دیگران، به شکل قبل باقی می ماند؟ آیا به عزت نفس این دختر خدشه ای وارد نمی شود؟ آیا احساس خوشبختی او به شکل قبل می ماند؟ آیا در روابط بعدی، با جنس مخالف، و یا موافق همان انعطاف پذیری قبل را نشان می دهد؟

افرادی که در این رابطه با این مسایل روبه رو شده اند، احتمالاً در نگاه آینده خود به اطرافیان بدبین تر هستند. احساس خوشبختی و عزت نفس کمتری می کنند انعطاف پذیری کمتری نشان می دهند و... در حالی که، دخترهای بی ارتباط از این آسیب ها درامانند در نتیجه، خوش بینی، انعطاف پذیری، عزت نفس و احساس خوشبختی پیشین خود را حفظ می کنند. البته این مسئله برای برخی از پسران ارتباط دار نیز نسبت به بی ارتباط ها اتفاق می افتد. هرچند میزان مورد سوء استفاده قرار گرفتن (احساسی و فیزیکی)، دختران در این روابط بیش از پسران است. با وجود اینکه برای تحلیلی نتایج حاصله بین رابطه هوش هیجانی و ارتباط با جنس مخالف، هر دو حالت و زاویه نگاه بالاتر متصور است، ولی زاویه نگاه دوم صحیح تر به نظر می رسد؛ یعنی ارتباط با جنس مخالف، موجب پایین آمدن هوش هیجانی می شود و آثار مخرب ارتباط در هوش هیجانی بر دخترها بیش از پسران است. ولی به هر حال، از هر کدام از موارد مزبور، که به این ارتباطات نگاه شود، تأثیر مخرب و سوء آن و تفاوت ویژگی های افرادی که این نحوه ارتباطی را پذیرفته اند و افرادی که این ارتباطات را قبول ندارند، مشخص و واضح است.

با توجه به اینکه حدود و احکام روابط زن و مرد و رعایت آنها، از مسایل اساسی خانواده مسلمان و ایرانی در زمینه تربیت اخلاقی و دینی فرزندان است،<sup>۸</sup> می توان گفت: یکی از جهات عمده تفاوت نظام ارزشی اسلام و غرب، در ملاک های ارتباط پسر و دختر، به ویژه پس از سن تکلیف شرعی و بلوغ است که در دستورات دینی، مهم و اساسی می باشد. در حالی که، نظام ارزشی غرب آن را بر اساس آراء یا به عبارت بهتر، تمایلات فردی انسان ها به شیوه ای که شاهد آن هستیم، حل کرده است.<sup>۹</sup> در مقوله دوستی با جنس مخالف، تورنتون (۱۹۹۰) بیان می کند که امروزه نوجوانان زودتر از گذشته قرار گذاشتن را شروع می کنند. در سال ۱۹۲۴ دخترها از ۱۶ سالگی قرار گذاشتن را شروع می کردند. در حالی که، امروزه این کار را حدوداً از ۱۳ سالگی شروع می کنند<sup>۱۰</sup>. گریندر، انگیزه های قرار عشقی را در چهار طبقه تقسیم بندی کرد:

۱. ارضای جنسی؛ ۲. اثبات استقلال؛ ۳. جستجوی هویت؛ ۴. اشتیاق مشارکت.

ارتباط و دوست با جنس مخالف، که در نسل نوجوان و جوان کنونی ایران به فراوان مشاهده می شود، ارتباط نزدیکی با مبحث هوش هیجانی دارد؛ زیرا به طور کلی سه مشخصه از توانش های ذهنی هوش هیجانی در نوجوانان اهمیت خاصی دارد:

1. ارزیابی و ابراز هیجان در خود، با دو مؤلفه کلامی و غیرکلامی و همچنین ارزیابی هیجان در دیگران با مؤلفه های فرعی ادراک غیر کلامی و همدلی؛

2. تنظیم هیجان در خود و دیگران، که تنظیم هیجان در خود به معنا تجربه فراخلفی، کنترل، ارزیابی و عمل به خلق خویشتن است و تنظیم هیجان در دیگران، یعنی تعامل مؤثر با سایر افراد مانند آرام کردن هیجانات درمانده کننده در دیگران.

3. بهره برداری از هیجان به معنا استفاده از اطلاعات هیجانی در تفکر، عمل و مسئله گشایی<sup>11</sup> همچنین به نظر می رسد، برخورد کارآمد، نقش محوری در هوش هیجانی داشته باشد. برخورد به تلاش های شخص در مهار و اداره یک موقعیت، فشارزا و چالش برانگیز اطلاق می شود<sup>12</sup>.

### پی نوشت ها:

1. دانیل گلن، هوش هیجانی، ص ۵۷.

2. راحله، سموعی، هنجاریاب آزمون بار-ان، تحقیقات مؤسسه روان تجهیزسینا.

3. سالووی و دیگران، هوش هیجانی، ترجمه نسرین اکبرزاده، هوش هیجانی (دیدگاه های سالووی و دیگران)، ص ۴.

4. محسن زارع، «سهم هوش هیجانی در پیشرفت تحصیلی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۳۲-۳۷.

5. منظور رابطه ای است که در عرف و جامعه دوست دختر یا دوست پسر نامیده می شود به شرط این که این ارتباط حداقل مدت ۴ ماه طول کشیده باشد و در حال حاضر هم وجود داشته باشد.

6. مهناز خسرو جاوید، «بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شات در نوجوانان»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، ص ۱۵-۲۰.

7. معصومه منصوری نصرآباد، «بررسی تأثیر حل مسئله اجتماعی در هوش هیجانی دانش آموزان دختر با پیشرفت تحصیلی ضعیف»، پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۲۵-۳۰.

8. علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، ص ۳.

9. همان.

10. کاپلان، روان شناسی رشد، ص ۴۲۱.

11. دنیا چراغعلی، «بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هویت یافتگی در دانشجویان شهر تهران»، پایان نامه کارشناسی، ص ۱۷-۱۹.

12. لازاروس و فولکمن، به نقل از معصومه منصوری نصرآباد، «بررسی تأثیر حل مسأله اجتماعی در هوش هیجانی دانش آموزان دختر با پیشرفت تحصیلی ضعیف»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، ص ۲۱-۲۴.

## منابع

احمدی، علی اصغر، **تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران**، چ ششم، تهران، سازمان انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۹.

اکبرزاده، نسرين، **هوش هیجانی** (دیدگاه های سالووی و دیگران)، تهران، فارابی، ۱۳۸۳.

چراغعلی، دنیا، «بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هویت یافتگی در دانشجویان شهر تهران»، **پایان نامه کارشناسی**، تهران، مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳.

خسرو جاوید، مهناز، «بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شات در نوجوانان»، **پایان نامه دوره کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی**، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱.

زارع، محسن، **مطالعه سهم هوش هیجانی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان**، تهران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، انستیتو روان پزشکی ایران، ۱۳۸۱

سموعی، راحله، **هنجاریابی آزمون بار-ان**، تهران، مؤسسه روان تجهیز سینا، ۱۳۸۱.

کاپلان، پاول اس، **روان شناسی رشد** (سفر پرماجرای کوچک)، ترجمه مهرداد فیروز بخت، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱.

کوثری، محمدرضا، «بررسی علل رابطه با جنس مخالف در دانش آموزان دختر دوره راهنمایی تحصیلی منطقه ۱۸ شهر تهران و ارایه راه حل های مسأله در سال تحصیلی ۷۲-۷۳»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۴.

گلמן، دانیل، **هوش هیجانی**، ترجمه نسرين پارسا، تهران، رشد، ۱۳۸۰.

منصوری نصرآباد، معصومه، «بررسی تأثیر حل مسأله اجتماعی در هوش هیجانی دانش آموزان دختر با پیشرفت تحصیلی ضعیف»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.

منبع: نشریه اسلام و پژوهش های تربیتی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صفحه ۱۴۵ - ۱۵